

دو خطر پیش روی کشورهای اسلامی

مخاطب من در این نوشتار، نخبگان مکتب اهل بیت (ع) اعم از رهبران، علما، اندیشمندان، روشنفکران، سیاستمداران، اصحاب رسانه و روزنامه نگاران هستند.



نوری مالکی: مخاطب من در این نوشتار، نخبگان مکتب اهل بیت (ع) اعم از رهبران، علما، اندیشمندان، روشنفکران، سیاستمداران، اصحاب رسانه و روزنامه نگاران هستند.

از ایشان می‌خواهم که برای بررسی چالش‌ها و مشکلاتی که ماهیت امت اسلامی را تهدید می‌کند و نیز به‌منظور یافتن روش‌های علمی انطباق با این چالش‌ها اهتمام ورزند. سخن من از رنج و فریادهای ملت عراق است. کشوری که در آن پیروان اهل بیت با فجیع‌ترین شکل و مفهوم تهاجم مذهبی تفکیری- تروریستی و انواع توطئه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی استکباری دست به گریبانند.

سخن من با شما سخن اعضای جسم واحد است که «اگر عضوی به درد آورد روزگار، دگر عضوها را نماند قرار». به شما می‌گویم که از زمان فروپاشی رژیم فرقه گرا و تروریست سابق، چنین مقرر شد که عراق نقطه شروع ژئواستراتژیکی برای پیاده کردن طرح تجزیه و ویرانی مذهبی باشد که مستکبران جهانی و منطقه‌ای با ابزارهای داخلی عراقی و غیرعراقی در قالب رژیم‌ها و گروه‌های مذهبی و تبعیض گرا آن را طراحی و اجرا می‌کنند؛ گروه‌هایی که در رأس آن حامی رسمی تروریسم قرار دارند: عربستان سعودی و پایگاه ایدئولوژیکی «وهابیت» آن و رژیم اسرائیل و پایگاه ایدئولوژیکی «صهیونیستی» اش.

تا زمانی که به دنبال راهکارهایی برای بحران خودمان باشیم ضرورت دارد که در اینجا اسامی را با عناوین شان نام ببریم و مسائل را به واقع و بدون تعارفات سیاسی مطرح سازیم که اگر غیر از این باشد موضوعات خارج از ساختارهای واقعی آن مورد بررسی مان قرار خواهند گرفت. از این رو باید مجدداً بر 2 مشکل بزرگی که مکتب اهل بیت (ع) و حتی تمامی مسلمانان در همه جا با آن روبه‌رو هستند تأکید بورزم. این دو مشکل همان 2 ایدئولوژی هستند که وزارت مستعمرات بریتانیا در دل جهان اسلام آن را بنا نهاد که عبارتند از:

یک- ایدئولوژی وهابیت؛ که برای حمله به پیروان مکتب اهل بیت و به اصل ماهیت دینی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آنها از تمامی وسایل و فناوری‌ها در همه عرصه‌ها بهره می‌برد. این ایدئولوژی از لحاظ سیاسی با ما اختلاف ندارد بلکه اختلاف ماهیتی است زیرا ریشه‌کن کردن ما را یک اصل تغییر ناپذیر ایدئولوژیکی برای خود می‌داند که در متن امنیت فکری و ملی آن قرار دارد. از این رو هرگونه تلاش نظامی یا سیاسی یا رسانه‌ای برای از بین بردن گروه‌های تکفیری تروریستی بی‌فایده است زیرا که القاعده، طالبان، الشیاب، بوکوحرام، النصره، داعش، انصارالاسلام، انصارالشریعه، سپاه صحابه و غیره، جوجه‌های قانونی ایدئولوژی وهابی هستند که از لحاظ فکری، مالی و اطلاعاتی در عربستان سعودی تولید شده‌اند و کسی که بخواهد این گروه‌ها را از بین ببرد در واقع خواسته کارگاه جوجه‌کشی، تولید، سرمایه‌گذاری و هدایت آنها را نابود کند.

از این رو هرگونه تلاش برای نزدیکی به این ایدئولوژی یا کاستن افراط‌گرایی آن و متقاعد ساختن آن، به نوعی توهم و بی‌فایده و وقت هدر دادن است. به اعتقاد ما تنها راهکاری که بتواند مهارش کند و از گسترش شرارتش بکاهد، اقدام مجدانه برای تحریم و تحمیل قیمومیت بین‌المللی علیه آن با ابزارهای قانونی، سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای است.

دو- ایدئولوژی صهیونیستی؛ که ایدئولوژی تروریستی و همدیف ایدئولوژی وهابی است به‌ویژه بعد از اینکه برای تحقق هدف بریتانیا در ایجاد 2 رژیم بیگانه در منطقه اسلامی، طی دهه سوم قرن بیستم میلادی تکامل یافتند و با یکدیگر ائتلاف نمودند تا خط مقدم جنگ استکبار غرب بر ضد جامعه اسلامی ما باشند. اسرائیل یکی از آن رژیم‌هایی است که مسلمانان به‌طور عام و پیروان اهل بیت را به‌طور خاص در هر نقطه و با هر روشی مورد هدف قرار می‌دهد زیرا آنها را مخالف وجودی و ماهیتی خود نیز قلمداد می‌کند.

جرايم اين رژيم تنها به جنگ‌هاي نظامي، كشتار، شهرك‌سازي و اشغال خلاصه نمي‌شود بلكه تمامي جزئيات موضوعات فكري، فرهنگي، رسانه‌اي، سياسي و اقتصادي ما را دربر مي‌گيرد. از اين‌رو كسي كه به فكر امكان همزيستي با رژيم اسرائيل باشد، دچار اشتباه فاحشي شده است زيرا كه اين رژيم، يك پروژه انهدامي براي خود دارد كه حتي اگر نسبت به آن ساكت باشيم و روي خود را از او برگردانيم، باز ما را هدف قرار مي‌دهد. وضعيتش مثل هر بيماري واگيرداري است كه بدون اجازه گرفتن و هشدار قبلي شيوع پيدا مي‌كند و مي‌كشد. از اين‌رو بايد با همان روش‌هاي برخورد با خطر ماهيتي وهابيت با خطر ماهيتي صهيونيسم برخورد كرد.

عجيب نيست كه اگر استكبار غرب 2 خاستگاه واقعي وهابيت و صهيونيسم را به پايگاه مقدم خود براي تهاجم همه جانبه‌اش بر ضد توانمندي‌هاي جامعه اسلامي و اجراي پروژه‌هاي منطقه‌اي‌اش تبديل نمايد. همچنين عجيب نيست كه امروزه اعلام تدريجي ائتلاف عربستان سعودي و اسرائيل را بر ضد مقاومت با حمايت مستقيم غرب احساس كنيم.

چالش تهاجم مذهبي وهابي و تهاجم تبعيض نژادي صهيونيستي، چالشي خارجي نيست. زيرا كه تنها تهاجمي از خارج نيست بلكه تهاجمي از داخل و خارج است و اين چالش عوامل داخلي با تخصص‌ها، حرفه‌ها، پست‌ها و وابستگي‌هاي ملي، مذهبي، فكري و سياسي مختلف را براي اجراي اهداف اين تهاجم به كار گرفته است كه در رأس اين اهداف امنيت اجتماعي، فرهنگي، افكار فرزندانمان، شيوه‌هاي زندگي، توانمندي‌هاي اقتصادي، ماهيت اقتصادي و رشد علمي ما قرار دارند. به منظور خنثي نمودن اين تهاجم، بايستي تا آنجا كه مي‌توانيم به تكاپوي بين‌المللي، اقدام حقوقي، فعاليت سياسي، اقدام اقتصادي و تلاش رسانه‌اي دست بزنيم.

بي‌ترديد تا زماني كه فضاي داخلي جامعه‌مان تيره و تار باشد، هيچ‌يك از اين اقدامات موفق نخواهد شد. گام نخست در ساماندهي شرايط داخلي، پاك‌سازي فضاي اختلافي و نزديك نمودن ديده‌گاه‌هايمان به‌ويژه در بعد سياسي، اجتماعي، معيشتي و فرهنگي نهفته است تا بتوان تمامي جبهه‌هاي داخلي را با زمينه‌هاي مشترك و استوار متحد و يكپارچه ساخت. نمي‌گوئيم كه متحد ساختن جبهه‌هاي داخلي مان، كار آساني است اما دستيابي به محيطي مشترك كه همگي مان در آن حضور داشته باشيم دشوار نيست زيرا كه اين امر ضرورتي سرنوشت ساز است.

تشخيص برنامه‌ريزي شده و دقيق بحران‌هاي كنوني مسلمانان به‌ويژه پيروان اهل‌بيت اعم از مشكلات و چالش‌هاي داخلي و خارجي كه با آن مواجه هستند و يافتن راهكارها و راه‌حل‌هاي علمي و موضوعي در 2 بعد تئوري و عملي، وظيفه نخبگان فقه‌ي، علمي، فكري، فرهنگي، رسانه‌اي و سياسي است.

دبيركل حزب دعوت اسلامي و معاون رئيس‌جمهور عراق